

ایدئولوژیکی و مذهبی با پادشاهی‌های محافظه‌کار منطقه دارد. هم‌چنین استقرار حکومت فدرال در عراق، بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ نیز بر تضادهای بین حاکمیت‌های سیاسی این منطقه افزوده است. هنوز دموکراسی نوپای عراق درگیر تنش‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای است. نکته‌ی دیگر وجود منازعات مذهبی و فرقه‌ای در این منطقه است. اکثریت جمعیت شیعه منطقه در ایران، عراق و بحرین ساکن هستند. این سه کشور دارای اقلیتی از اهل تسنن نیز هستند که جمعیت قابل توجهی دارند. از طرف دیگر پنج کشور دیگر منطقه (عربستان سعودی، عمان، قطر، امارات متحده عربی و کویت) با اکثریت جمعیت سنی مذهب هستند و مذهب شیعه در برخی از این کشورها مثل عربستان به‌عنوان اقلیت وجود دارند. با توجه به این وضعیت، یکی از چالش‌های همگرایی در خلیج فارس منازعات مذهبی و فرقه‌ای است. این‌گونه منازعات بعد از سال ۲۰۰۳ با سقوط صدام و رهایی مردم شیعه عراق از حکومت او، در منطقه افزایش یافت. در چنین وضعیتی رهبری سنی توسط عربستان سعودی و رهبری شیعه توسط جمهوری اسلامی ایران، موجب شکاف عمیق‌تر و بحران جدی در منطقه شده است؛ بحرانی که در محیط‌هایی مانند عراق، لبنان، سوریه، یمن و بحرین گسترش یافته و دو کشور ایران و عربستان را درگیر کرده است.

۲-۲. ضعف جامعه‌ی مدنی و مشروعیت حکومت‌ها

ضعف جامعه‌ی مدنی و مشکل مشروعیت نظام‌های سیاسی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس از مهم‌ترین چالش‌های همگرایی اقتصادی در منطقه است. این کشورها به‌خصوص حکومت‌های پادشاهی منطقه، از آنجایی که با فقدان پایگاه گسترده‌ی مردمی مواجه هستند، به‌ناچار به حمایت و پشتیبانی قدرت‌های خارجی متوسل می‌شوند؛ و همین مسئله زمینه‌ی نفوذ قدرت‌های خارجی را در منطقه فراهم می‌کند. در این کشورها، بحران مشروعیت، مشارکت و شکاف طبقاتی بسیار جدی است و نهادهای سیاسی و مدنی عمدتاً نقش‌نمایشی دارند. در شش کشور عربستان سعودی، عمان، قطر، بحرین، امارات متحده عربی و کویت، حاکمیت نتوانسته مطالبات جمعیت شیعه‌ی خود را پاسخ دهد. در کشوری مثل بحرین